

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: قاسم عز الدین- سایت المیادین
برگردان از: احمد مزارعی
۰۷ مارچ ۲۰۲۱

چرا ایران توپ آتشین خود را به دامن بایدن می اندازد؟



دستگاه اداری بایدن می کوشد جریان مذاکرات هسته‌ای با ایران را به سالهای قبل از قرارداد هسته‌ای (برجام) بکشاند، هدف بایدن از اتخاذ این سیاست این است که شاید بتواند از شدت بحرانهای داخلی و خارجی امریکا بکاهد، اما ایران از «امربداشتن همه تحریمها را به طور کامل» وسیله‌ای قرارداده است تا با استفاده از آن بتواند به یک رابطه متساوی و متقابل به ضد سیاستهای زورگویانه غرب با خود برسد.

درگیریهای اخیر میان ایران و غرب بر سر اینموضوع که کدامشان باید گام اول را بردارند، نشاندهنده عمق این درگیری و ابعاد گوناگون علنی و پنهان آنست، اقدام برای برداشتن این گام و رسیدن به پایان این راه نشاندهنده سمت و سو و پایان راهی است که یا به آزادی و خلاصی ایران از هیمنه و تسلط غرب منجر خواهد شد و یا این که به تبعیت و تن دادن ایران به سیاستهای کشورهای غربی برای همیشه، راه سومی در برابر ایران وجود ندارد.

تحولاتی که در مجموعه منظومه جهانی به وقوع پیوسته است، موجب عقبگرد قدرت امریکا و به طور کلی اردوگاه غرب گردیده و این خود بیش از پیش موجب ترس غرب از برآمدن ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای بزرگ گردیده است که توانایی رقابت ستراتیژیک و حتی تهدید آنچه را که غرب آن را منافع و امنیت ملی خود می داند، گردیده است.

اما آنچه را که بیشتر در نتیجه این ضعف قدرت غربی، برترشان می‌افزاید این است که ارتقای یک دولتی از منطقه کشورهای جنوب در مقابل با توسعه طلبی امپریالیستی، همراه با تزلزل همبستگی سیاسی و اجتماعی داخلی در قلب امریکا و در سایر کشورهای غربی می‌باشد. همین امر باعث می‌شود که کشورهای غربی نسبت به تعهدات خود در قبال پرونده هسته‌ای ایران دچار عدم اطمینان شوند، زیرا این امر باعث می‌شود که موقعیت استراتژیک ایران در منطقه بهبود یابد.

این عقده کشورهای اتحادیه اروپا در برابر ایران باعث گردید که آنها سال ۲۰۱۵، در برنامه اقدام مشترک خود در برابر ایران دچار سرخوردگی شوند و در ادامه هنگام اقدام ترمپ مبنی بر خارج شدن از برجام، روشی حيله گرانه همچون روباه درپیش بگیرند.

این برای بایدن به مثابه مرحله بسیار سخت و سنگینی است که بخواهد مرحله ای را که دونالد ترمپ نسبت به امریکا و هم پیمانان امریکا و همچنین در درون و خارج امریکا خرابکاری مرتکب شده است از سر بگذراند، ترمپ همچنین رؤیاهای عظمت طلبانه ایدئولوژیک امریکا درباره «پرنسپهای جهانی امریکا» را که موجب اعتبار جهانی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و حتی نظامی امریکا می‌شد نیز تخریب نموده است.

هم اکنون جو بایدن کوشش دارد که مرحله ترمپ را پشت سر بگذارد و امریکارا به رهبری جهانی بکشد که بتواند مجدداً اسلحه زنگ زده «پرنسپهای جهانی امریکا» را زنده کند، اما به کارگیری این «پرنسپ» ایدئولوژیک در مرحله ای قرار گرفته که جهان وارد تحولات عظیمی شده و قدرتهای بین المللی بزرگی همچون روسیه و چین حضور یافته اند و ایران نیز در منطقه خاورمیانه به عنوان قدرتی نمونه از جنبشهای آزادیخواهانه در منطقه جنوب جهان حضور جدی دارد.

پرونده هسته‌ای ایران همه اصل و فصل و ابزارهای آزمایشگاه جو بایدن است که مرحله داخلی و خارجی شکستهای استراتژیک دونالد ترمپ و تصمیم گیریهای شکست خورده وی همچون تحریمهای حد اکثری علیه ایران و کشورهای جنوب را طی کند. تصمیمات و اقداماتی که در نتیجه آنها در دوره دونالد ترمپ، سلاح استراتژی جهانی، سیاسی، و نظامی را از دست امریکا خارج ساخت.

در این موقعیت بایدن می‌کوشد همپیمانان و شرکای سابق خود را «در زیر رهبری امریکا درآورد و در این مسیر عملکرد هریک را با اروپائیها توزیع می‌کند و به امید وقت گذرانی بیشتر و این ادعا که می‌خواهد مجدداً به برجام بازگردد که در این میان التزامات و مسؤولیتهای اروپا و امریکا نسبت به ایران و برجام به فراموشی سپرده می‌شود

باید گفت که بحران و گرفتاری اصلی جو بایدن در امریکا، در درون حزب و اداره سیاسی وی نهفته است، اساساً تصمیم گیریهای سیاسی در امریکا به وسیله لابیهای گوناگون فشار و منافع گوناگون آنها بستگی دارد، اما این لابیها اساساً بر اساس فشار و بازی کردن با پرونده ایران طی گذر سالها در امریکا تربیت شده اند و اینگونه عملکرد آنها علیه ایران به صورت یک فرهنگ درآمد که لابیهای نژاد سفید امریکائی که در دو حزب حاکم و سایر ادارات امریکائی نفوذ دارند در سیاست گزاریهای خود به طرق مختلف اعمال می‌کنند.

هم اکنون این لابیها و منافع ویژه و گوناگونی که دارند در اداره سیاسی بایدن و «مجلس امنیت ملی امریکا» دارای نفوذ هستند، برای مثال، وزیر خارجه فعلی امریکا تونی بلینگتن از نزدیکان سیاسی نو محافظه کاران است که آنها اساساً دارای سیاستی تهاجمی و خواستار دخالتهای نظامی امریکا تحت نام «دیپلماسی تهاجمی» می‌باشند، بلینگتن به همراهی با رابرت کیگان، در تاریخ دوازدهم جنوری ۲۰۱۹، مقاله مشترکی نوشتند و از دونالد ترمپ درخواست کردند تا

در خاورمیانه دخالت نظامی گسترده کند. اضافه بر این بلینگتن وزیر خارجه فعلی ولوید اوستن وزیر دفاع ، هردو از سهامداران صنایع نظامی هوانی و... می باشند.

و بسیاری دیگر نیز که در مجلس امنیت ملی امریکا حضور دارند و از نزدیکان و وابستگان لابیهای فشار برای رودروئی با ایران می باشند همچون ، جان هیل ، «رئیس نمایندگی دفاع راکتی»، و کورت کمبل که نماینده ستراتژیک همین شرکت در امور منطقه اقیانوس های هند و آرام است.

در مقابل جناح تندرو و خشونت طلب فوق شخصیتهای متعادلی نیز وجود دارند که باور دارند که امریکا باید از تحریمها علیه ایران در مقابل عقب نشینی ایران از غنی سازی اورانیوم، عقب نشینی کند تا این کشور تبدیل به یک قدرت هسته ئی نظامی نگردد.

شخصیت دیگری که در مجلس امنیت ملی امریکا حضور دارد و خواستار عقب نشینی امریکا از سیاست فشار و تحریم علیه ایران است، جاک سولیوان می باشد ، وی در تاریخ چهاردهم جون ۲۰۲۰، طی مقاله ای تحقیقی در مرکز «کارنیگی» خواستار تجدید نظر در سیاست امریکا نسبت به ایران گردید. شخصیتهای دیگری که در همراهی و همزمانی با جاک سولیوان خواستار تعدیل سیاست امریکا علیه ایران بودند می توان از ویلیام برنز، رئیس سابق «سی آی ا» و رئیس مؤسسه «کارنیگی» نام برد، و یا نماینده سابق امریکا در امور ایران ، رابرت مالی که تجربه فراوانی در امور رابطه با ایران دارد.

پرونده هسته ئی ایران عنوان بارز درگیری میان این کشور و دولتهای غربی است، اما رودروئی با ایران در مورد این پرونده نیازمند اصولی عادلانه در مقابله با جنبشهای آزادیخواهانه ای می باشد که زمان زیادی در مقابله با تسلط منظومه کشورهای غربی از سر گذرانیده اند و باید به این وضعیت خاتمه داد.

شانزدهم اسفند [حوت] ۱۳۹۹